

کمونیسم و خانواده، زنان و استثمار کودکان کار

الغای خانواده! حتی تندترین رادیکال‌ها از این پیشنهاد پلید کمونیست‌ها برآشفته می‌شوند. خانواده کنونی، خانواده بورژوائی بر چه اساسی استوار است؟ بر اساس سرمایه، و بر اساس نفع خصوصی. این خانواده در انکشاف یافته‌ترین شکل خود تنها در میان بورژوازی وجود دارد. ولی بی‌خانوادگی عملی در میان پرولترها و فحشای عمومی مکمل آنست.

خانواده بورژوائی طبیعتاً با از میان رفتن این مکمل خود از بین می‌رود و زوال هر دو با زوال سرمایه توأم است. ما را سرزنش می‌کنید که می‌خواهیم به استثمار والدین از اطفال خود خاتمه دهیم؟ ما به این جنایت اعتراف می‌کنیم. ولی شما می‌گوئید که وقتی ما بجای تربیت خانگی تربیت اجتماعی را برقرار می‌سازیم، گرامی‌ترین مناسباتی را که برای انسان وجود دارد از میان می‌بریم.

اما مگر تعیین‌کننده پرورش خود شما جامعه نیست؟ مگر تعیین‌کننده این پرورش آن مناسبات اجتماعی که در درون آن به کار پرورش مشغولید و نیز دخالت مستقیم یا غیرمستقیم جامعه از طریق مدرسه و غیره نیست؟ کمونیست‌ها تأثیر جامعه در پرورش را از خود اختراع نمی‌کنند، آنها تنها خصلت آنرا تغییر می‌دهند و کار پرورش را از زیر تأثیر نفوذ طبقه حاکمه بیرون می‌کشند.

هر اندازه که در سایه رشد صنایع بزرگ پیوندهای خانوادگی در محیط پرولتاریا بیشتر از هم می‌گسلد و هر اندازه که کودکان بیشتر به کالای ساده و افزار کار مبدل می‌گردند، به همان اندازه یاهو سرائی‌های بورژوازی درباره خانواده و پرورش و روابط محبت آمیز والدین و اطفال بیشتر ایجاد نفرت می‌کند.

بورژوازی یکصدا بانگ می‌زند: آخر شما کمونیست‌ها می‌خواهید اشتراک زن را عملی کنید!

بورژوا زن خود را تنها یک افزار تولید می‌داند. وی می‌شنود که افزارهای تولید باید مورد بهره‌برداری همگانی قرار گیرند، لذا بدیهی است که نمی‌تواند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان سرنوشت شامل زنان هم خواهد شد.

وی حتی نمی‌تواند حدس بزند که اتفاقاً صحبت بر سر آنست که این وضع زنان، یعنی صرفاً ابزار تولید بودن آنان، باید از میان برود.

افزون بر این، چیزی مسخره‌تر از وحشت اخلاقی بورژواهای ما از این اشتراک رسمی زن‌ها، که به کمونیست‌ها نسبت می‌دهند، نیست. لازم نیست کمونیست‌ها اشتراک زن را عملی کنند، این اشتراک تقریباً همیشه وجود داشته است.

زناشوئی بورژوائی در واقع همان اشتراک زنان است. حداکثر ایرادی که ممکن بود به کمونیست ها وارد آورد این است که می خواهند اشتراک ریاکارانه و پنهانی زنان را رسمی و آشکار کنند. ولی بدیهی است که با نابود شدن مناسبات تولیدی کنونی، آن اشتراک زنان که از این مناسبات ناشی شده، یعنی فحشای رسمی و غیر رسمی نیز از میان خواهد رفت.

مارکس و انگلس - مانیفست حزب کمونیست

کار زنان

تا آن حد که ماشینیسیم نیروی عضلانی را زائد می سازد، خود به وسیله ای برای استفاده از کار کارگرانی تبدیل می شود که نیروی عضلانی ندارند یا از لحاظ تحول جسمانی نارسند، ولی اعضای بدن آنها دارای نرمش بیشتری است. به همین جهت کار زنان و کودکان نخستین شعار استفاده سرمایه داری از ماشین بود. بدین گونه از راه فراخواندن همه اعضای خانواده کارگری، بدون تفاوت جنسی و سنی، به زیر پرچم فرمانروائی مستقیم سرمایه، ماشین، این وسیله نیرومند جانشین کار و کارگر، فوراً تبدیل به وسیله ای برای افزایش عده کارگران مزدور می گردد. کار اجباری به نفع سرمایه داران، نه تنها جای بازیهای کودکان را غصب نمود، بلکه به کار آزادی نیز که در محیط خانه و در درون مرزهای سنتی برای خود خانواده، انجام می گرفت دست انداخت.

ارزش نیروی کار نه تنها از روی زمان کاری که برای معاش انفرادی یک کارگر بزرگسال لازم است، معین می شود، بلکه منوط به زمان کاری نیز هست که برای نگهداری خانواده کارگر ضروری است. با فروریختن تمام اعضای خانواده کارگری به بازار کار، ماشین ارزش نیروی کار مرد را به مجموع خانواده اش تقسیم می کند. بنابراین ماشین از ارزش نیروی کار کارگر می کاهد. ممکن است که مثلاً خریداری ۴ نیروی کار متعلق به افراد یک خانواده بیشتر از نیروی کار رئیس خانواده، که سابقاً مورد خریداری قرار می گرفت، تمام شود ولی اکنون چهار روزانه کار بجای یک روزانه کار قرار دارد و لذا قیمت آن به نسبت افزایش اضافه کار چهار نفر بر اضافه کار یک نفر تنزل می کند. اکنون، برای آنکه خانواده بتواند زندگی کند، چهار نفر نه تنها باید کار کنند بلکه باید به سرمایه اضافه کار تحویل دهند. از این راه است که ماشین از آغاز امر، با افزایش مصالح انسانی بهره کشی، میدان استثمار سرمایه و در عین حال درجه بهره کشی را توسعه می دهد.

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

استثمار زنان شوهردار

آقای E که کارخانه دار است، به استحضار می رساند که برای دستگاههای خودکار بافندگی خویش منحصرأً زنهارا استخدام می کند. وی زنان شوهردار را ترجیح می دهد، به ویژه آنانی را که در خانه خانواده ای دارند که از حیث معیشت به آنان وابسته اند، زیرا چنانکه وی می گفت اینان دقیق تر و مطیع تر از زنان مجرد هستند و مجبورند که نیروهای خود را تا سرحد امکان بکار برند تا بتوانند وسایل ضروری زندگی را تأمین نمایند. بدین طریق آن خصایل، آن صفات خاصی که ویژه خوی زنانه است به زیان او برمی گردد و همه آن حجب و نازنینی که در نهاد اوست وسیله بردگی و آزارش می شود.

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

قانونگزاری کارخانه ای که نظم و ترتیبی برای کار در کارخانه ها، مانوفاکتورها و غیره مقرر نمود در آغاز کار فقط به صورت مداخله ای در مورد حق بهره کشی سرمایه به نظر آمد. ولی بعکس تصویب هر گونه مقرراتی در مورد آنچه کار خانگی خوانده می شد بلافاصله به منزله تعرضی مستقیم به قدرت پدری patria potestas تلقی گردید، یعنی اگر بخواهیم آنرا به زبان جدید تعبیر کنیم باید بگوئیم تجاوزی نسبت به اختیارات والدین اطفال شمرده شد، و پارلمان پر از عاطفه انگلستان مدتها چنین وانمود می کرد که از اتخاذ تصمیم در این مورد احتراز دارد. ولی سرانجام حکم واقعیات وی را به قبول این نکته واداشت که صنعت بزرگ با برهم زدن پایه اقتصادی زندگی خاندانی قدیم و کار خانگی منطبق با آن، مناسبات خانوادگی کهن را نیز فرو می ریزد. حق کودک می بایستی اعلام می گردید. در نتیجه گیری گزارش سال ۱۸۶۶ کمیسیون کار کودکان چنین گفته شده است: «بدبختانه از مجموع شهادتهائی که داده شده است چنین بر می آید که کودکان هر دو جنس بیش از همه علیه اولیاء خودند». سیستم بهره کشی برون از اندازه از کار کودکان بطور عموم و کار خانگی بالاخص از آن جهت پایدار مانده است «که اولیاء اطفال نسبت به فرزندان خردسال و لطیف خویش قدرتی خود سرانه و شوم اعمال می کنند، بدون آنکه هیچگونه قید و بندی مانع آنان باشد ... پدران و مادران اطفال نباید دارای چنان قدرت مطلق باشند که بتوانند فرزندان خود را مبدل به ماشینهای نمایند که همه هفته فلان یا بهمان مقدار دستمزد به آنها تحویل دهند ... کودکان و جوانان حق دارند که از حمایت قانونگذار در برابر سوء استفاده ای که از اختیار والدین می شود و نیروی جسمانی آنان را نابهنگام می کشد و آنها را در زمینه زندگی اخلاقی و فکری تنزل می دهد، برخوردار گردند».

ولی این سوء استفاده از اختیار والدین نیست که بهره کشی مستقیم یا غیرمستقیم نیروی نارس کار را به وسیله سرمایه به وجود آورده است بلکه به عکس شیوه استثمار سرمایه داریست که با از بین بردن پایه اقتصادی قدرت پدری، موجب سوء استفاده از این اختیار گردیده است. هر چند که انحلال زندگی خانوادگی قدیم در درون سیستم سرمایه داری وحشتناک و چندش آور جلوه کند، معذالک این نکته مسلم است که صنعت بزرگ با نقش قاطعی که به زنان، جوانان و کودکان هر دو جنس در پروسه سازمان یافته تولید اجتماعی در خارج از محیط زندگی خانوادگی تفویض می کند، پایه اقتصادی نوینی برای شکل عالیتر خانواده و مناسبات بین دو جنس به وجود می آورد. بدیهی است که مطلق انگاشتن شکل ژرمانو مسیحی خانواده همانقدر غیرمنطقی و باطل است که تصور مطلقیت درباره شکل باستانی رومی و یونانی یا شکل شرقی خانواده، یعنی اشکالی که به نوبه خود سلسله ای از انکشاف تاریخی را تشکیل می دهند. و نیز این نکته محقق است که در شکل خود رو و خشن سرمایه داری، یعنی در شکلی که کارگر برای پروسه تولید است و نه پروسه تولید در خدمت کارگر، ترکیب پرسنلی کار جمعی از افراد هر دو جنس و از هر طبقه سنی، سرچشمه زهرآلود فساد و بنده پروری است، معذالک، در صورتی که شرایط مساعد فراهم آید، همین پدیده سنی بعکس باید مبدل به سرچشمه فیاضی از انکشاف انسان منشانه گردد.

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

مرگ ناشی از اضافه کار

در آخرین هفته های ماه ژوئن سال ۱۸۶۳ کلیه روزنامه های لندن خبری تحت عنوان هیجان انگیز «death from simple work over» (مرگ تنها در اثر زیاده کاری) منتشر ساختند. این خبر مربوط بود به مرگ دختر مد دوزی به نام مری آن واکلی Mary Anne Walkley ، که ۲۰ ساله بود و در یکی از محترمتترین سالنهای مد کار می کرد. سالن مزبور به وسیله خانمی که نام دلربای

الیز Elise داشت اداره می شد. داستان کهنه ای که بارها نقل قول شده بود از نو کشف می شد. این دختر بطور متوسط روزی ۱۶ ساعت و نیم کار می کرد ولی به هنگام فصل، اغلب تا ۳۰ ساعت متوالی به کار اشتغال داشت. و «نیروی کار» فرسوده او را گاه بگاه به وسیله جرعه های شری، پورتو و قهوه به حال سیال نگاه می داشتند. و این جریان درست در بحبوحه فصل به وقوع پیوست. لازم بود که وی با شتاب هر چه تمامتر لباسهای جشن لیدی های نجیب زاده را برای بالی که به افتخار پرنسس تازه وارد ولز داده می شد، آماده نماید. مری آن واکلی ۲۶ ساعت و نیم بدون انقطاع با ۶۰ دختر کار کرده بود. سی نفر از این دختران در اطاقی که به زحمت دارای یک سوم از هوای لازم برای استنشاق بود کار می کردند و شبها هر دو نفر از آنها در یک تختخواب، در یکی از این زاغه های متعفن می خوابیدند که هر یک از خوابگاهها فقط به وسیله تخته از یکدیگر مجزی شده بود و اینجا یکی از بهترین سالنهای مد لندن بشمار می رفت. مری آن واکلی روز جمعه بیمار شد و روز یکشنبه درگذشت، بدون اینکه قبلاً آخرین لباسی که در دست داشت آماده کرده باشد، امری که موجب شگفتی خانم الیز گردید. دکتر کیز Keys هنگامی به بالین بیمار خوانده شد که کار از کار گذشته بود، او در برابر Coroner's Jury (هیئت تحقیق درباره علت مرگ) با کلمات خشکی چنین شهادت داد: «مری آن واکلی در نتیجه آن مرده است که ساعات طولانی در کارگاهی کار کرده که بیش از حد کارگر داشته و در اطاقی خوابیده که بیش از اندازه تنگ بوده و هوای کافی نداشته است». هیئت تحقیق برای آنکه از لحاظ آداب دانی درس خوبی به پزشک داده باشد متقابلاً چنین اعلام نمود: «مرحومه در نتیجه سکت قلبی درگذشته است ولی بیم آن می رود که مرگ وی در نتیجه کار طاقت فرسا در کارگاهی که بیش از حد کارگر داشته و غیره، تسریع شده باشد». روزنامه مورنینگ استار Morning Star ارگان کویدن Cobden و برای Bright، سردمداران تجارت آزاد، فریاد برمی آورد که: «بردگان سفید پوست تا دم گور کار می کنند و بی سر و صدا نابود می شوند و می میرند».

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

کار ارزان

قبل از اینکه کار زنان و کودکان کمتر از ده سال در معادن ممنوع گردد، سرمایه داران استخدام زنان و دختران عربیان، غالباً در کنار مردان را، که تا آن زمان طبق موازین اخلاقی شان، به ویژه طبق دفاتر حسابشان، مجاز شمرده می شد، در نظر داشتند؛ این تنها پس از تصویب قانون [منع استخدام زنان و کودکان در معادن] بود که به ماشین آلات روی آوردند. یانکی ها یک ماشین سنگ خردکنی اختراع کرده اند. انگلیسیها از آن استفاده نمی کنند زیرا «مفلوک» (Wretch) - لفظ معمول اقتصاد سیاسی انگلستان برای کارگر کشاورزی که اینکار را انجام می دهد - آن بخش چنان کوچکی از کار خود را بمثابة مزد دریافت می کند که [بکار گرفتن] ماشین مخارج تولید را برای سرمایه دار بالا می برد.

در انگلستان زنان هنوز گاهگاهی بجای اسب برای کشیدن قایق در کانال بکار گرفته می شوند، زیرا کار لازم برای تولید اسب یا ماشین مقدار دقیق دانسته ایست، در حالیکه مقدار لازم برای نگهداری یک زن از اضافه جمعیت مادون هر محاسبه ایست.

از اینجا می توان دید که رهایی زن و برابری وی مادامی که زن از کار مولد اجتماعی برکنار است و بکار خصوصی خانگی محدود است، میسر نیست و نخواهد بود. رهایی زن تنها هنگامی میسر خواهد بود که زن بتواند در سطحی وسیع و اجتماعی در تولید شرکت جوید و کار خانگی تنها جزء ناچیزی از وقت او را بگیرد. و تنها اکنون این امر از طریق صنعت بزرگ مدرن که نه فقط استخدام کار زنان را در رشته های وسیعی ممکن می سازد بلکه به نحوی مثبت خواستار آن است، میسر گشته است، در حالیکه از طریق تغییر روزافزون کار خصوصی خانگی به سوی پایان دادن آن گرایش می یابد.

مردی که تا امروز عملاً در منزل حاکمیت داشت، آخرین سد حاکمیت مطلق اش فرو ریخته است ...

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

تولید و خانواده

موافق ماتریالیسم تاریخی، عنصر تعیین کننده در تاریخ در آخرین تحلیل عبارت است از تولید و تجدید تولید حیات فوری. حال، این خود از دو گونه است؛ از یکسو تولید وسایل معاش، وسایلی که در خدمت پوشاک، مسکن و خوراک و ابزاری که برای این هدف لازمند؛ از سوی دیگر تولید خود ابناء بشر، یعنی تولید مثل.

نهادهای اجتماعی که تحت آن انسانهای یک دوره معین تاریخی و یک کشور معین می زیینند، متأثر از این دو گونه تولید اند؛ از طریق مرحله انکشافی که از یکسو کار و از دگرسوی خانواده در آن قرار دارد.

مارکس - سرمایه (جلد نخست)

خانواده و انکشاف جامعه

هر چه کار کمتر انکشاف یافته باشد، مجموع محصولات آن و در نتیجه ثروت جامعه، محدودتر است و سلطه نظم اجتماعی متکی به روابط خونی هر چه بیشتر. در عین حال، در این سازمان اجتماعی متکی بر روابط خونی، کارائی کار کم و بیش انکشاف می یابد، و همراه آن مالکیت خصوصی و مبادله، نابرابری ثروت و استثمار نیروی کار دیگری، و از آن طریق اساس خصومت طبقاتی ... جامعه کهن که بر روابط خونی تکیه داشت، در نزاع طبقات اجتماعی که تازه انکشاف یافته اند، منفجر می شود؛ و جای خود را به جامعه ای نوین متمرکز در حکومت می بخشد که واحدهای درجه دوم آن دیگر اجتماعات متکی به خون نیست، بلکه متکی است به واحدهای جمعیتی، جامعه ای که سیستم خانوادگی در آن تماماً زیر سلطه مالکیت قرار دارد، و در آن اکنون خصومت طبقاتی و مبارزه طبقاتی، که محتوی تاریخ تاکنون ثبت شده را تشکیل می دهد، آزادانه انکشاف می یابد.

انگلس - منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت

فوریه و آزادی زن

وقتی بورژوازی و پیغمبران پرشور پیش از انقلاب و چارلوسان نفع طلب بعد از انقلاب سخن می گویند فوریه مچشان را می گیرد. از فقر مادی و معنوی عالم بورژوائی بیرحمانه پرده بر می دارد و آن را در برابر وعده های فریبنده فیلسوفان قرن روشنائی می گذارد که سخن از جامعه ای می گفتند که در آن فقط عقل حکمفرما است و از تمدنی که خوشبختی عام را به همراه خواهد داشت و از کمال یافتن بی حد انسان. و نیز این وعده ها را در برابر کلمات رنگارنگ ایدئولوگهای معاصر خود قرار می دهد، او ثابت می کند که چطور پرطمطراق ترین جمله پردازیها همیشه مربوط به رقت انگیزترین حقایق هستند و طنز و کنایه برنده خود را بر این شکست جبران ناپذیر عبارات فرومی ریزد. فوریه فقط یک منتقد نیست، طبع شادش از او یک طنزنویس ساخته است، یکی از

بزرگترین طنزنویسان تاریخ. سودجویی دیوانه‌واری را که بعد از انقلاب رشد می‌کند و طرز فکر دکانداری را در همه تجارت آن عصر، با مهارت تمام طراحی می‌کند، و از این کار حظ فراوان می‌برد. و از آن استادانه‌تر انتقاد اوست از اشکالی که روابط جنسی و موقعیت زن در جامعه بورژوازی به خود گرفته است. او اولین کسی است که این حقیقت را بیان کرد که در یک جامعه معین، درجه آزادی زنان مقیاس طبیعی آزادی عمومی است.

انگلس - آنتی دورینگ

جامعه کمونیستی و اشتراک زنان

پرسش - نظم جامعه کمونیستی چه تأثیری بر خانواده خواهد گذاشت؟

پاسخ - نظم جامعه کمونیستی مناسبات زن و مرد را به مسئله‌ای صرفاً شخصی که تنها به افراد مورد بحث مربوط خواهد شد، بدل خواهد کرد و دخالت جامعه را در آن غیرممکن خواهد ساخت. این امر انجام پذیر است، زیرا مالکیت خصوصی ملغی می‌گردد و کودکان بطور اشتراکی پرورش داده خواهند شد و بدین وسیله دو پایه اساسی ازدواج‌هایی که تاکنون مرسوم بوده است یعنی وابستگی زن به شوهر و فرزندان به پدر و مادر، که به مالکیت خصوصی مقید بوده‌اند، منهدم می‌گردد. این پاسخی است به تنگ نظران اخلاق پرست (فیلیستینها) علیه اشتراک زنان در جامعه کمونیستی. اشتراک زنان رابطه‌ایست که به جامعه بورژوازی تعلق دارد و امروز به شکل کاملش در فحشاء تظاهر می‌کند. لیکن ریشه فحشاء در مالکیت خصوصی است و همراه آن نیز سرنگون خواهد شد. بنابراین اجتماع کمونیستی نه تنها اشتراک زنان را برقرار نمی‌سازد، بلکه به آن پایان می‌دهد.

انگلس - اصول کمونیسم

چگونه بورژوازی به جنگ فحشاء می‌رود!

اخیراً پنجمین کنگره بین‌المللی برای مبارزه علیه برده‌داری سفید در لندن برگزار شد.

داجس‌ها، کنتیس‌ها، کشیش‌ها، اسقف‌ها، خاخام‌ها و رؤسای پلیس و انواع و اقسام خیرین بورژوا در این کنگره حضور بهم رسانیدند. مهمانیهای رسمی و پذیرائیهای رسمی مجلل پایانی نداشت. و سخنرانی‌های طویل مؤدبانه‌ای درباره ضرر و ننگ فحشاء هم ایراد شد.

اما وسایل مبارزاتی که نمایندگان شیک و آراسته از کنگره می‌طلبیدند چه بود؟ عمدتاً دو مسئله: پلیس و مذهب.

اینها معتقد بودند که این دو مطمئن‌ترین و مؤثرترین وسیله مبارزه علیه فحشاء است. موافق گزارش فرستاده لایپیگر فولکس تساتیونگ در لندن، یک نماینده انگلیسی به این پز می‌داد که قانونی به مجلس برده است که مطابق آن جاکشی مستوجب مجازات بدنی خواهد بود.

اینست قهرمان «متمدن» معاصر در مبارزه علیه فحشاء!

یک خانم کانادائی نتوانست از بیان اشتیاق خود در مورد نظارت پلیس و زنان پلیس بر زنان «گمراه» خودداری کند؛ و اما در مورد زنان کارگر، این خانم بر این عقیده بود که شایسته دستمزد بیشتری نیستند.

یک کشیش آلمانی برعلیه ماتریالیسم معاصر جرقه زد که به عقیده او در میان مردم هر روز بیشتر توسعه می یافت و به گسترش عشق آزاد (free love) کمک می نمود.

هنگامی که نماینده ای از اتریش، گرتنر Gertner خواست به ریشه های اجتماعی فحشاء یعنی نیاز، فلاکت خانواده های زحمتکش، استثمار کودکان، وضع غیرقابل تحمل مسکن و غیره بپردازد، فریادهای مخالفت آمیز سخنگو را خاموش ساخت!

از سوی دیگر، در میان نمایندگان داستانهای آموزنده و مؤدبانه ای درباره شخصیت‌های عالی مقام مختلف نقل می شد. مثلاً هنگامی که ملکه آلمان قرار است از یک بیمارستان در برلن دیدن کند، به انگشت مادران کودکان «نامشروع» انگشت می کنند تا شخصیت بزرگ از دیدن مادران بی همسر در تعجب نشود.

بر این پایه می توان داوری کرد که چه دو روئی تهوع آور بورژوائی در کنگره های بورژوا - آریستوکراتیک حکمفرماست.

دوا فروشان متقلب بذل و بخشش و حامیان پلیس استهزاء نیاز و فلاکت به گرد هم می آیند تا علیه «فحشاء» مبارزه کنند، امری که آریستوکراتها و بورژواها دقیقاً در نگهداری آن کوشا هستند!

لنین - زن و جامعه

زنان و انقلاب

هیچ حزب دمکراتی در جهان یا در هیچ یک از جمهوریهایی پیشرفته بورژوائی نیست که طی دهها سال در این رابطه [رابطه زنان] یک صدم آنچه را که ما ظرف یک سال حکومت خود کرده ایم، انجام داده باشد. ما حقیقتاً نگذاشته ایم که کوچکترین چیزی از این قوانین شرم آور مربوط به نابرابری حقوق زنان، موانع در راه طلاق و رسوم حقیری که مشایع اینها هستند، عدم شناسایی فرزندان که خارج از ازدواج متولد می شوند، جستجوی اصل و نسب و غیره دوام بیاورند. قوانینی که به تعداد زیادی در کشورهای سرمایه داری وجود دارند و مایه شرم سرمایه داری و بورژوازی اند. و ما هزار بار حق داریم به آنچه در این زمینه کرده ایم ببالیم ...

[اما] زنان علیرغم همه قوانین رهایی بخش همچنان بمثابة برده خانگی باقی مانده اند، زیرا اقتصاد خانگی و کوچک با حفظ او در آشپزخانه و اطاق بچه ها و مجبور ساختن او به صرف نیرویش در وظایف بسیار غیرمولد، اعصاب خردکن، خمارکننده و تضعیف کننده روح، او را سرکوب می کند، خفه می سازد و تحقیر و تحمق می نماید.

آزادی راستین زنان، کمونیسم راستین تنها هنگامی آغاز می شود که مبارزه توده ها، به رهبری پرولتاریای قدرتمند، علیه این اقتصاد کوچک خانگی آغاز گردد، یا به عبارت دقیق تر، به هنگام دگرسانی آن به اقتصاد بزرگ سوسیالیستی.

انقلاب و زنان

امر اساسی در بلشویسم و انقلاب اکتبر روسیه عبارتست از کشاندن درستی همان کسانی به سیاست که بیش از همه تحت سرمایه داری ستم می دیدند. به اینان ستم می شد، فریب داده می شدند و سرمایه داران آنان را چه در زیر حکومت سلطنتی و چه در جمهوریهای بورژوائی می چاپیدند. این ستم، این فریب، این دستبرد به دسترنج مردم توسط سرمایه داران مادامی که مالکیت خصوصی بر زمین، کارخانجات و کار وجود داشت، اجتناب ناپذیر بود ...

و ممکن نیست توده ها را به سیاست کشاند بدون آنکه زنان نیز کشیده شوند، زیرا تحت سرمایه داری نیمی از نوع بشر که زنان باشند، زیر یوغ دوگانه رنج می برند. زنان کارگر و روستائی تحت ستم سرمایه قرار دارند و افزون بر آن، حتی در دمکراتیک ترین جمهوریهای بورژوائی، در درجه نخست در یک مقام پست تر قرار دارند، زیرا قوانین برابری آنان را با مردان روا نمی دارد و در درجه دوم - و این مهمتر است - به «بردگی خانگی» اشتغال دارند، «بردگان خانگی» هستند و زیر سخت ترین، پست ترین و بیهوده ترین کار در آشپزخانه و اقتصاد خانگی، منزوی و خرد می شوند ...

لنین - پیام به مناسبت روز جهانی زن